

اندیشه و عمل



امام موسی صدر، یک سبک زندگی

دکتر عبدالله نصری



موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر
IMAM MOUSSA SADR CULTURAL & RESEARCH INSTITUTE

بسیاری از افراد انتخاب می‌کنند، ناشی از فرهنگ جامعه آنان است. اما شخصیت‌هایی هم وجود دارند که سبک‌سازند، یعنی به گونه‌ای زیست می‌کنند و سبکی در زندگی دارند که این سبک می‌تواند برای همیشه و برای همگان الگو قرار گیرد. من همواره تأکیدم بر این است که امام موسی صدر الگوی بسیار مهم، نه فقط برای توده‌های مردم، بلکه برای عالمان دینی هم هست.

در این فرصت می‌خواهم به این پرسش پاسخ دهم که چرا امام موسی صدر می‌تواند الگو شود؟ می‌کوشم در چند بند این مسئله را توضیح دهم.

یکی از ابعاد این مسئله به سبب شخصیت کاریزمای ایشان است. مطالبی در کتاب دو جلدی سیره و سرگذشت امام موسی صدر از زبان چهره‌های مختلف نقل شده که نشان‌دهنده شخصیت کاریزمای او و تأثیر روحی سحرآمیزی است که وی بر بسیاری از افراد داشته است. غسان توبینی، روزنامه‌نگار مشهور و وزیر سابق لبنان، درباره وی چنین می‌گوید:

امام صدر، چنان‌که همه می‌دانند، آن قامت بلند و سیمای نورانی و نگاه‌های نافذ، از کاریزما و تأثیر روحی سحرآمیز برخوردار است. (ج ۱، ص ۱۲۹)

باید تأمل کرد که چرا ایشان به راحتی جانشین علامه شرف‌الدین در لبنان می‌شود. او از سرزمین دیگری آمده است و وارد کشور جدیدی شده، و در اوضاع و احوال خاص لبنان و فضای فکری و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و در میان فشارهای بیرونی و

بسم الله الرحمن الرحيم. من به عنوان یک معلم فلسفه می‌خواهم از جنبه خاصی به شخصیت امام موسی صدر بپردازم، یعنی چگونه می‌توان امام موسی صدر را معیار و الگوی زندگی خود قرار داد؟ به همین سبب، عنوان این گفتار را «امام موسی صدر، یک سبک زندگی» انتخاب کرده‌ام. در مباحث فلسفه تحلیلی بحث مهمی در باب معنای زندگی وجود دارد، مبنی بر اینکه معنا و مفهوم زندگی چیست؟ و اساساً زندگی ارزش زیستن دارد یا خیر؟ بحث دیگری هم در ذیل این بحث مطرح می‌شود و آن هم عبارت است از سبک زندگی، یعنی شیوه زیستن که فرد برای خود انتخاب می‌کند. سبک زندگی، در واقع، شامل نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها و منش‌ها و رفتارها و معیارهای اخلاقی و ذوق و سلیقه‌های فرد است. به بیان دیگر، سبک زندگی مجموعه نگرش‌ها و باورها و منش‌ها و عمل و رفتار انسان و موضع‌گیری‌های فردی و اجتماعی اوست که برآیند آن دیدگاه و تفکر اوست. سبک زندگی برآیند ارزش‌های درونی‌شده فرد است. وقتی مجموعه‌ای از ارزش‌ها در فردی درونی می‌شود، این فرد را ناگزیر می‌کند که به آن شیوه زندگی کند. با توجه به مختصات فکری افراد و ارزش‌هایی که در آنان درونی شده، ما سبک‌های مختلف زندگی داریم. نه تنها در افراد معمولی بلکه حتی در عالمان دینی هم سبک‌ها و شیوه‌های مختلف و گوناگونی را می‌بینیم. بعضی از متفکران غربی معتقدند که ما با پدیده سیالی روبرو هستیم و، چه بسا، یک فرد در زمان‌ها و اوضاع و احوال گوناگون سبک‌های مختلفی را برای زندگی خود انتخاب کند. معمولاً سبک زندگی‌ای که

شخصیت‌هایی
هم وجود دارند که
سبک‌سازند، یعنی
به گونه‌ای زیست
می‌کنند و سبکی در
زندگی دارند که این
سبک می‌تواند برای
همیشه و برای همگان
الگو قرار گیرد. من
همواره تأکیدم بر این
است که امام موسی
صدر الگوی بسیار
مهم، نه فقط برای
توده‌های مردم، بلکه
برای عالمان دینی هم
هست

عوامل مختلف، توانسته این مسئولیت را برعهده بگیرد. امام موسی صدر خیلی راحت جانشین شخصیتی بزرگ و جهانی در آن سن و سال می‌شود و این خود نشان‌دهنده آن است که امام موسی صدر شخصیت کاریزمایی داشته، و این شخصیت کاریزما از دوران جوانی امام موسی صدر شکل گرفته است. جاذبه شخصیت امام موسی به گونه‌ای بوده که حتی افرادی که در ابتدا با او مخالف بودند، بعدها به او پیوستند. کریم بقرادونی در نامه‌ای سرگشاده در روزنامه‌ی العمل خطاب به وی چنین می‌گوید:

تا دیروز از شما هراسان بودیم و امروز بر شما نگرانیم. غریبه‌ای بودی که از راهی دور آمدی، عده‌ای تو را بلا و مصیبت پنداشتند و گروهی دیگر وجودت را نعمت و برکت شمردند... پیش از تو جنوب سرزمین فاقد وجدان بود و با حضور تو، جنوب به وجدان تک‌تک خانه‌های لبنان تبدیل شد. پیش از تو شیعیان فرقه‌ای عقب‌مانده در میان دیگر فرقه‌ها بودند و با حضور تو شیعه به نهضت و حرکتی برای تمام وطن مبدل شد. نزدیک بود محرومان قربانی نومیدی و شکار ایدئولوژی‌ها و عقاید انحرافی شوند و تو آنان را به نیرویی برای ساختن آینده بدل کردی. (ج ۲، ص ۳۰۱ و ۳۰۰)

تلاش‌های خالصانه و مدیرانه امام موسی صدر به گونه‌ای بود که برای او شهرت و جاذبیت خاصی ایجاد می‌کرد. سلیم اللوزی درباره‌ی وی چنین می‌گوید: از ویژگی‌هایی برخوردار است که امکان موفقیت زودهنگام را برایش فراهم می‌کند. شخصیت او ابعادی دارد که هم افراد سنتی و هم نوگرایان و هم محافظه‌کاران و هم انقلابیون را جذب می‌کند. موسی صدر امام و فرزند امام و نواده امام است. خوش‌سینا و خوش‌سخن است و محبوبیت مردمی انکارناپذیری دارد. فرهیخته و امروزی است و می‌داند چگونه با جرئت و جسارت به آنچه می‌خواهد برسد. (ج ۲، ص ۳۲۱)

ریشه‌های شخصیت کاریزمای امام و واکاوی این جاذبیت اهمیت فراوان دارد. در این گفتار می‌کوشم تا اندازه‌ای در این باره سخن گویم. باید بررسی کنیم که چگونه این شخصیت کاریزما شد؟ چه عواملی در این شخصیت تاثیرگذار بود که توانست چنین جاذبه‌ای پیدا کند؟ در ادامه، به مجموعه‌ای از عوامل که در این مسئله مؤثر بوده‌اند اشاره می‌کنم.

۱. روحیه پرسش‌گری، این روحیه از آغاز تحصیل با ایشان همراه بوده است. این خصیصه را نباید دست‌کم گرفت. او در همه دوران تحصیلات، چه در مدرسه، چه در حوزه و چه در دانشگاه، روحیه پرسش‌گری را داشت. کسانی که با ایشان هم‌درس و هم‌مباحثه بودند، بر این ویژگی او بسیار تأکید می‌کنند.

۲. فعالیت‌های جانبی در دوران تحصیل. ما عالمان

دینی بسیاری را دیده‌ایم که از خانه به کلاس درس و حوزه درس می‌روند و باز به حجره‌شان باز می‌گردند، در این فاصله ارتباطات چندانی با دیگران ندارند.

من با یکی از بزرگان حوزه که سالیان دراز اصول درس می‌داد، بحث و گفتگو می‌کردم. وقتی از ایشان سؤال کردم که شما درباره کتاب علم اصول (حلقات) شهید محمداقبر صدر چه نظری دارید؟ به من گفت: اصلاً این کتاب را نخوانده‌ام. این مسئله برای من خیلی عجیب بود. استادی که اصول درس می‌دهد، این اندازه از زمان خود دور باشد. حالا شما ببینید که چرا کسی امام موسی صدر می‌شود، ولی هزاران هزار نفر دیگر نمی‌شوند؟ ایشان در زمان درس خواندن، فعالیت‌های جانبی هم دارد. در جلسات مختلف شرکت می‌کند، در همایش‌ها شرکت می‌کند، قلم دست می‌گیرد و کتاب و مقاله می‌نویسد و تجربه کسب می‌کند. این نکته‌ها مهم هستند که در بسیاری افراد نمی‌بینیم.

۳. برخورداری از اساتید بزرگ. بسیاری از روحانیون دیگر هم از اساتید بزرگی برخوردار بوده‌اند، اما نحوه استفاده کردن آنان از این اساتید بزرگ مانند امام موسی صدر نیست. صرف شاگرد کسی بودن ملاک مناسبی نیست، بلکه نحوه استفاده و بهره‌برداری از این اساتید بزرگ اهمیت دارد.

۴. هم‌مباحثه‌ای‌های بسیار مهم. از جمله شهید محمداقبر صدر که در یک فاصله زمانی محدود این دو بزرگوار قسمت‌های اعظمی از کتاب اسفار ملاصدرا را با یکدیگر مباحثه می‌کنند. اینکه این دو شخصیت با یکدیگر به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند و از همدیگر مطالبی را یاد می‌گیرند، اهمیت بسیاری دارد.

۵. آشنایی با زبان خارجی، آن‌هم در عصر و زمانی که توجهی به این امر نمی‌شده است. ایشان با تلاش خود علاوه بر زبان عربی، زبان فرانسه و انگلیسی را یاد می‌گیرند. این زبان‌آموزی در ابعاد مختلفی آثار و نتایج خود را نشان می‌دهد، از جمله اینکه از منابع مختلف استفاده می‌کند و می‌تواند با شخصیت‌های مختلف در ارتباط باشد و با آنان به بحث و گفت‌وگوی علمی بپردازد.

۶. سرعت فهم و قدرت درک. همه کسانی که با ایشان هم‌درس و هم‌مباحثه بودند بر این نکته تأکید دارند.

۷. قدرت بیان و سخنوری. این ویژگی هم از جمله استعدادهای اوست که بر اثر آن توانسته بر مخاطبان بسیاری اثر بگذارد.

۸. پذیرش آرای دیگران. وقتی امری مقدس می‌شود، در عین حال که ارزش فوق‌العاده دارد، اگر تلقی‌های غلطی از آن داشته باشیم، آن امر مقدس در معرض آسیب قرار می‌گیرد. دین یکی از امور مقدس برای انسان

است، که از آن سوءاستفاده‌های بسیاری شده است. بشر در طول تاریخ از کدام امر مقدسی سوءاستفاده نکرده، که از دین نکرده باشد؟ نیز انسان‌ها از کدام امر مقدسی تلقی و فهم‌های غلطی نداشته‌اند که انتظار داشته باشیم از دین نمی‌بایست می‌داشتند؟ علاوه بر اینکه این امر مقدس، یعنی دین، متولیان بسیاری هم دارد.

ما با شخصیت‌های مختلفی مواجهه کرده و هستیم که از ابتدا می‌گویند ما عالم دین هستیم، با متون دینی سروکار داریم و فهم ما هم از دین فهم درست است و آنچه ما درمی‌یابیم، حق است. حتی این احتمال را هم نمی‌دهند که چه‌بسا خطایی در فهمشان باشد. من نمی‌خواهم پلورالیسم دینی را ترویج کنم، من به یک بیان می‌خواهم از پلورالیسم معرفتی به معنای خاصی دفاع کنم. من اعتقاد دارم که شخصیت‌هایی مثل امام موسی صدر این نگاه را دارند. نتیجه این تلقی این می‌شود که آدمی انصاف علمی و روحیه حقیقت‌جویی هم کسب کند. وقتی کسی معتقد نباشد که همه حقایق پیش اوست و دیگران باطل هستند، نه تنها در عالم ذهن که در عالم عمل هم موضع‌گیری‌های خاص به خود را خواهد کرد. این نوع بینش تأثیراتی بسیار بر روی فرد می‌گذارد. این تأثیرات را ما در عمل امام موسی صدر می‌بینیم. از نظر من بسیاری از توفیقاتی که امام موسی در لبنان با وجود تکثر مذاهب و دیدگاه‌ها و اندیشه‌های گوناگون یافت، ریشه‌های معرفتی‌اش را باید در اینجا پیدا و تحلیل کرد. ۹. حضور در مراکز علمی و پژوهشی: امام موسی صدر سفرهای مختلفی به کشورهای مختلف دارد و در همایش‌های مختلف بین‌المللی حضور می‌یابد. برای مثال در سال ۱۳۴۷ ایشان در همایش شیعه‌شناسی دانشگاه استراسبورگ حضور می‌یابد و سخنرانی مهمی در باب میراث تاریخی اسلام ایراد می‌کند. او به‌گونه‌ای سخن می‌گوید که اعجاب مخاطبان را برمی‌انگیزد. تا جایی که پس از آن مراکز پژوهشی و دانشگاه‌های بسیاری از ایشان برای ایراد سخنرانی دعوت می‌کنند. شما آن اوضاع و احوال، یعنی سال ۱۳۴۷، را بررسی کنید و ببینید که چند تن از شخصیت‌های علمی و روحانی ما می‌توانستند به این مراکز دانشگاهی راه پیدا کرده و از اسلام دفاع کنند.

۱۰. نواندیشی دینی. ما باید امام موسی صدر را نواندیش دینی تلقی کنیم. این نواندیشی دینی ویژگی خاص خود را دارد. گاهی کسی نواندیش دینی است اما از سنت فاصله می‌گیرد، و سعی می‌کند که حتی اندیشه‌های بیگانه را بر دین تحمیل کند و اگر بخواهد دین را تفسیر کند، با اندیشه‌های بیگانه این کار را صورت می‌دهد. ما امروز شاهد این نگاه در میان برخی از روشنفکران دینی هستیم. این دسته حتی اگر بخواهند فقه اسلامی

را ارزیابی کنند، بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر این کار را می‌کنند، یعنی فقه تا هر کجا که با اعلامیه جهانی حقوق بشر هماهنگی داشت، می‌پذیرند و هر جا که هماهنگی نداشت، احکام فقهی را کنار می‌گذارند. این هم یک نوع نواندیشی دینی است. از آن سو، کسان دیگری را می‌بینیم که اساساً با هر چیزی که نو باشد، مخالفت و مبارزه می‌کنند. این پدیده هم تاریخچه‌ای دارد که در جامعه ما از دوره مشروطه شروع می‌شود.

می‌خواهم بر این نکته تکیه کنم که نواندیشی دینی امام موسی صدر به گونه‌ای است که به منابع دینی و به سنت و به میراث خود توجه دارد و، در عین حال، به مسائل جدید هم بی‌توجه نیست و با مقولات جدید سروکار پیدا می‌کند. نکته‌ای که وجود دارد این است که چرا بعضی از عالمان با همه صداقت و خلوصی که دارند، نمی‌توانند از اندیشه‌های گذشته فاصله بگیرند و با مقولات جدید آشنا شوند؟ به نظر من یکی از عللی که امام موسی صدر چنین رویکردی ندارد، تحصیلات دانشگاهی ایشان است. همان‌طور که در کتاب حاصل عمر درباره شخصیت مرحوم مطهری نوشته‌ام، حضور مرحوم مطهری در دانشگاه بسیار مؤثر بوده است. شخصیت‌های بزرگی بودند که در این مراکز علمی حضور پیدا کردند و با شخصیت‌های دانشگاهی ارتباط پیدا کردند. نمونه‌اش در جامعه ما اساتید فقیدی چون استاد مطهری و علامه جعفری و استاد مهدی حائری است. این افراد نوآوری بسیار دارند و یکی از علل و عوامل نوآوری آنان این است که با فضای خارج از حوزه آشنا شدند.

عزیمت امام موسی صدر به لبنان و آشنایی ایشان با فرهنگ‌ها و مذاهب گوناگون در نواندیشی دینی ایشان تأثیر بسزایی گذارده است. در بحث از نواندیشی دینی وی باید به مباحثی توجه داشت که ایشان در دهه چهل در مورد رابطه علم و دین مطرح کرده‌اند.

همچنین، نکته بسیار مهمی که در جای خود باید درباره آن بحث شود، مباحثی است که ایشان در زمینه اقتصاد اسلامی برای اولین بار در مجله مکتب اسلام مطرح می‌کنند و حتی می‌بینیم که در مسئله تمایز میان علم اقتصاد و مکتب اقتصادی حق تقدم با امام موسی صدر بوده است.

۱۱. اخلاق پیامبرانه. اخلاق پیامبرانه ابعاد گوناگونی دارد. در مورد رسول خدا گفته‌اند: «طیب دوار بطبه». پزشکان عموماً کسانی هستند که در مطب می‌نشینند تا مریض به آنان مراجعه کند. این سیره در برخی از عالمان ما هم هست؛ می‌نشینند تا دیگران به آنها رجوع کنند. اما سیره رسول خدا به گونه‌ای دیگر است؛ ایشان در کوچه و بازار حرکت می‌کنند، به خانه‌های مختلف سر می‌زنند و حتی وقتی چند روز از زن بیهودی‌ای که همواره خاکستر

سلیم اللوزی:

از ویژگی‌هایی

بر خوردار است

که امکان موفقیت

زودهنگام را برایش

فراهم می‌کند.

شخصیت او ابعادی

دارد که هم افراد

سنتی و هم نوگرایان

و هم محافظه‌کاران

و هم انقلابیون را

جذب می‌کند. موسی

صدر امام و فرزند

امام و نواده امام

است. خوش‌سینما و

خوش‌سخن است

و محبوبیت مردمی

انکارناپذیری دارد.

فرهیخته و امروزی

است و می‌داند چگونه

با جرئت و جسارت به

آنچه می‌خواهد برسد

امام موسی صدر
یکی از نخستین
کسانی است که بر
مسئله گفتگوی ادیان
تاکید می‌کند و این
موضوع جایگاه خاصی
برای وی داشت. اینکه
ایشان چگونه این
گفتگو را مطرح می‌کند
نیز اهمیت دارد. صرف
اینکه سمینارهایی
برای گفتگوی ادیان
برگزار شود با اینکه
کسی التزام عملی به
گفتگوی ادیان داشته
باشد، متفاوت است.
امام موسی صدر
نه تنها با مسیحیان
ارتباط خوبی برقرار
می‌کند، بلکه در
بسیاری از مراسم آنان
شرکت می‌جوید

بر سر وی می‌ریخت، خبری نیست، سراغ او را می‌گیرند و وقتی می‌فهمند که بیمار شده، به عیادتش می‌روند. امام موسی صدر هم چنین شخصیتی است. در خانه نمی‌نشیند و منتظر نمی‌ماند تا دیگران به سراغ او بیایند و سؤالات دینی و شرعی خود را از او بپرسند و پاسخ بگیرند. او خود سراغ مردم می‌رود. در مراسم مختلف حضور پیدا می‌کند و با مردم و گروه‌های مختلف ارتباط برقرار می‌کند. در عین حال، توجه دارد که در این ارتباطها مسئله فرهنگ مردم از مسئله معیشت آنان جدا نیست، چراکه ایشان به خوبی می‌داند که دین‌ورزی مردم فقط مبتنی بر دلیل نیست، بلکه علت هم اهمیت خاص خود را دارد. دین‌ورزی مردم فقط مبتنی بر استدلال و برهان نیست، بلکه علل و عوامل گوناگون روانی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی هم در آن تأثیر بسزایی دارد.

۱۲. باور به امکان گفتگو میان ادیان. امام موسی صدر یکی از نخستین کسانی است که بر مسئله گفتگوی ادیان تأکید می‌کند و این موضوع جایگاه خاصی برای وی داشت. اینکه ایشان چگونه این گفتگو را مطرح می‌کند نیز اهمیت دارد. صرف اینکه سمینارهایی برای گفتگوی ادیان برگزار شود با اینکه کسی التزام عملی به گفتگوی ادیان داشته باشد، متفاوت است. امام موسی صدر نه تنها با مسیحیان ارتباط خوبی برقرار می‌کند، بلکه در بسیاری از مراسم آنان شرکت می‌جوید. ایشان در مراسم تاجگذاری پاپ پل ششم حضور پیدا کرده و درباره دستگیری امام خمینی با وی گفتگو می‌کند. همچنین، در مجلس ترحیم ژان پل سوم شرکت می‌کند. این ارتباطها موجب می‌شود تا از نزدیک با پیروان ادیان دیگر آشنا شود و، در عین حال، آنان را با اندیشه‌های اسلامی آشنا سازد.

وقتی سخنرانی ایشان را در جاهای مختلف دنبال می‌کنید، می‌بینید که طرح مسائل مربوط به گفتگوی ادیان، امنیت و صلح جهانی، محبت، تساهل و مدارا در کلام و مطالب ایشان موج می‌زند. اینها مسائلی است که ما نمی‌توانیم به آنها بی‌توجه باشیم. نکته جالب هم این است که امام موسی صدر از هر فرصتی برای تحقق اهداف خود استفاده می‌کند. از سخنرانی در مدرسه گرفته تا مسجد و سالن‌های مختلف و مؤسسات خیریه و کلیساها و نظایر اینها.

۱۳. توجه به جوانان. ایشان توجه زیادی به قشر جوان داشتند و یکی از موفقیت‌های ایشان در فعالیت‌های اجتماعی در همین زمینه است. ایشان در مراسمی که مجلس اعلای شیعیان در دارالفتوی جعفری برگزار

می‌کند تا به تجلیل از یک دانشجو بپردازد، شرکت می‌کند. دانشجویی که نه با ایشان حشر و نشری داشته و نه از بستگان و آشنایان وی بوده است. ایشان درباره این دانشجو صحبت می‌کند. در همین سخنرانی محدود و مختصر نکات مهمی به چشم می‌خورد. از جمله اینکه امام موسی صدر پاسداشت علم و دانش را ضرورت می‌بیند. اهمیت علم و دانش برای امام موسی صدر تا آنجاست که وی حتی برای مبارزه هم پروژه علمی دارد و براساس همان پروژه عمل می‌کند. اگر امام موسی صدر پروژه و نگاه علمی نداشت، هرگز نمی‌توانست در مقابل موانع آن روز جامعه لبنان دوام بیاورد. دوم اینکه دانشجوی ممتاز را ثروت ملی تلقی می‌کند. ما در جهان اسلام چقدر این نگاه را داشتیم یا الآن داریم؟ نکته سوم اینکه علم را منشأ قدرت و ضامن رشد جامعه در آینده می‌داند. نکته چهارم اینکه ایمان را مکمل علم به شمار می‌آورد، و در نهایت هم برای این دانشجو تقاضای بورس تحصیلی می‌کند. و جالب اینکه این دانشجو بعدها یکی از شخصیت‌های بزرگ علمی جامعه خود می‌شود و جوایزی هم دریافت می‌کند.

۱۴. توجه به نیروی انسانی و برنامه‌ریزی و تشکیلات. امام موسی صدر به مسئله نیروی انسانی خیلی توجه دارد. حتی بر روحیه نیروی انسانی نیز تکیه می‌کند. یعنی ارزش نیروی انسانی صرفاً این نیست که به صورت مکانیکی بتواند کارهایی را انجام دهد. مسئله دیگری هم که بر آن تکیه می‌کند این است که وقتی شما می‌خواهید برنامه‌ریزی و سازماندهی کنید، باید براساس یک میانی ایدئولوژیکی خاص باشد. چرا؟ برای اینکه نگرش ایشان این است که نگرش فلسفی مبنای فکری هر سازمان را تشکیل می‌دهد و عامل وحدت و همبستگی است.

امام موسی صدر نه تنها به ضرورت تشکیلات و سازماندهی نیروها اعتقاد دارد بلکه آسیب‌شناسی تشکیلات را نیز اصل ضروری به شمار می‌آورد. از نظر وی باید همواره مراقب بود که اعضای تشکیلات سیاسی در صدد کسب جاه و مقام یا به دست آوردن مال و ثروت یا به فکر کسب اعتبار و شهرت نباشند، باید مواظب بود که تشکیلات به سمت منفعت‌طلبی پیش نروند.

امام موسی صدر الگویی است که ما همواره باید با آن زندگی کنیم، الگویی نه فقط برای مردم عادی، بلکه حتی الگویی برای عالمان دینی است؛ و عالمان دینی نیز باید به تحلیل و بررسی شخصیت او بپردازند تا با ابعاد و اسرار موفقیت او آشنا شوند و وی را الگوی زندگی فردی و اجتماعی خود قرار دهند.